

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۱۶ سپتمبر ۲۰۱۵

مجلس شصت و دوم (در توحید)

قسمت یازدهم

شیخ (قدس سره) در ادامه فرمودند: همنشینی بندگان خدا، از حیث خوف و ترس، بسان همنشینی با شیراست، (زیرا) شیر هرگاه سیر باشد دیگر بتو نمی پردازد، و اگر برایش مزاحمتی ایجاد نمائی، ممکن است پاره ات کند، همچنین صدیقین اند که در صحبت مولای خوی شانند، در صورتیکه برایشان مزاحمتی ایجاد کنند، قطعاً خشمگین خواهند شد.

شیخ (رضی الله تعالی عنه) در مورد قول خداوند متعال: «أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (خدای رادر حال زاری و پنهان بخوانید، همانا اومفسدین رادوست ندارد. سوره اعراف آیه ۵۵).

فرمودند: آن کسی که از غیر خدا درخواست نماید، و دست حاجت بسوی خلق دراز کند، متجاوز است معتدی.

عبدالله بن مسعود به یارانش میگفت: شماروشنی قلب هستید، زیرا هر که برای رضای خدا به سخنی گوش داد، نور است، و افزود در غیر اینصورت به نزد من نیائید که کدورت خواهید بود.

(پرسش) سوال شد که آیا باید به قال اقتدا نمود یا به حال؟ شیخ فرمود: عوام به قال اقتدا میکنند، و خواص به حال. تواز کدامین گروهی؟ نبضت را بمن ده، تا شدت بیماریت رادریابم، و درمان آن بکوشم.

از عادات رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) عیادت بیماران بود، ولی متأسفانه امروز این کار ترک شده است، و این تندرستانند که مورد عیادت قرار میگیرند (تأمل در این عبارت علاوه بر فهم معنای ظاهری آن، ذهن را متوجه پیام عمیقی میکند که مقصود اصلی است). پس من نیز از آمدن بخانه های شما و تناول غذایتان خودداری میکنم.

بارخدا، گزند خلق را از ما بازدار، بارخدا یا شرنفس و هوای طبع را از ما بدور کن، من از این دریای ژرف بیمناکم، تنها دست قدرت تو میتوانم کسی را در آن بشنا و ادارد، و ترس از این است که میادا عنایت شامل حال نشود.

«أِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (همانا از میان بندگان تنها) دانشمندان اند که از خدا میترسند. سوره فاطر آیه ۲۸).

هرگاه علم بخدا حاصل شد، خوف بیشتر میگردد، چون شناخت کامل هر چیز موجب میشود که درباره آن بسیار بیندیشند.

مرگ بناچار بسراغت خواهد آمد، پس خود را برای مقابله با آن آماده کن. ای کسیکه در خانه بی سقف زندگی میکنی، و برای زن و فرزند آذوقه و امکانات ضروری زندگی رافراهم نکرده ای، در فکر باش، زمستان از راه میرسد (وای که برای آخرت چیزی نیندوخته ای، زمستان مرگ خواهد رسیدن، بیدار شو).

موضعت درقبال قول «ایاک نعبد وایاک نستعین» چیست؟ «تنها ترابه یگانگی میپرستیم فقط از تو یاری میطلبیم» کی در عمل اخلاص داشته ای؟ کی از خلق و ریا و نفاق دوری گزیده ای؟ چه وقت قلب خود را در پیشگاه حق خاشع و ذلیل قرار داده ای؟ چه زمانی شهوت بر تو غلبه کرد و از خدای شرم کردی و بر دهن آرزوها لگام زد؟ کی از بیم خداهوات خویش را کنترل نمودی؟ وقتی یوسف علیه السلام با آن زن روبرو شد، خوف خدا در دلش جای گرفت و از دست او فرار کرد، «كَذَلِكَ نُنْصِرُكَ مِنَ السُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ، إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ»- (اینگونه او را از زشتی بازداشتیم، وی از بندگان مخلص ماست. سوره یوسف آیه ۲۴). توکی به خلق و خوی یوسف متخلق میگردی؟ یوسف همینکه مورد توجه آن زن واقع شد، امر حق را در نظر گرفت و ابا کرد، خدائیز او را محفوظ داشت.

ای بندگان خدا، ای مریدان، شما نیز اینچنین باشید، این شیوه صدیق را در پیش گیرید، از خدا بخواهید توکلتان عنایت فرماید، و از اسباب دنیوی و اتکا بغیر بازتان دارد. هرگاه قلب در جهت امر خداوند قرار گیرد به قلب فرشته بدل میشود، آنچه را فرشته میشوند، اونیز خواهد شنید، آنچه را ملک میداند، اونیز خواهد دانست.

حضرت شیخ (رضی الله تعالی عنه) درباره موسی علیه السلام فرمودند: سرعنایتی است باطنی، موسی همسرش را ترک کرد، گفت از جانب طور آتش می بینم، آیا چه دید؟ چشم ظاهر آتش دید و دیده باطن نور، دیده ظاهر خلق را مشاهده کرد و چشم باطن حق را، «قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا نَارًا»- (به زنت گفت درنگ کن، من آتشی دیده ام. سوره طه آیه ۱۰). قلبش مجذوب نور حق گردید، از زن و فرزند برید، ندای ملکوتی شنید، ربایش قدرت الهی پدید آمد، وی را از همگان جدا نمود، نداد داد: ای علم بخدا بنگر، ای نفس ثابت شو، ای قلب و باطن جواب دهید، محروم آنکه این مقام را در نیافت، و قلبش بشوق آن ننشاند، و به آن ایمان نداشت، اگر چنین حالتی دست نداد، باید تأسف خورد و دست یأس و حرمان بسرزد.

«لَعَلِّي آتَيْكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ»- (شاید برایتان خبر بیاورم. سوره نمل آیه ۷). در جای خود باشید، شاید خبری برایتان بیاورم، چون راه را گم کرده بود- دلایل راه ظاهری از نظرش پنهان شد، لذا- نگهبان و راهنمای واقعی او را دلالت نمود. ای غافل در خواب بیدار شو، سیل حوادث اطراف را فرا گرفته است، روز قیامت را بیاد آر که میگویند: نامه اعمال کدام است؟ معلم و راهنمای ونبی تو که بود؟ در آنروز انساب، دوستیها، برادریها، پیوند ها تماما قطع میشود، آنانکه اهل تقوی باشند در پیشگاه خدا و رسول سرفرازانه حاضر میشوند، به رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) گفته میشود، پیروان تو کدامند؟ خواهد فرمود: «كُلُّ نَفْسٍ أَلٍ مُحَمَّدٍ»- (هر پرهیزکاری آل محمد است).

ساکت باش، ترا عقل و خرد نیست، تو در کنار دجله ای، ولی از تشنگی داری می میری. دو قدم است که باید برداشت و بحق رسید، یکی از خلق گذشتن و دیگری از نفس گسستن. اگر خواهان رستگاری هستی باید ضربات گفتارم را تحمل نمایی، وقتی حالم دگرگون میشود، دیگر ترانمی بینم، وقتی احساسات درونیم بجوش می آید، صورتت را مشاهده نمی کنم، چرا که من در صدد اصلاح تو هستم، میخواهم خبث و ناپاکی های درونیت را بزدایم، قصدم اطفای آتش است که در خانه قلبت افتاده است، نیتم حفظ حریم توست.

دیدگان را باز کن و ببین چه کسی را در پیش روی داری، ترا جنون فرا گرفته است، و نمیدانی بعد از مدت کوتاهی مرگ بسراغت می آید، زن و فرزند و خانه، همگان ترا وداع میگویند، با خاک قبر و فرشتگان مأمور روبرو خواهی شد، پس بدان که تو مسافری، و در دنیا وجودی عاریه ای بیش نیستی.

پاک و منزله است خداوندی که بر شما منت نهاده است. ای غافلان، چرا در صدد کسب زاد و توشه آخرت نیستید. تو ای مدبر! چرا هفته ای یکبار، ماهی یکبار، و یاسالی یکبار، بدیدن من نمی آئی؟ چرا نمی آئی تا همه چیز را بدون کمترین بهائی دریافت نمایی؟ من بار رنج ترا تحمل میکنم، و در مقابل رنج و تعب تو تحمیل نمی کنم، خدای مرا کفایت میکند، دیگران مسافتهای دوری را می پیمایند و می آیند تا کلمه ای را از من بشنوند، اما تو که در چند قدمی هستی تن

پروری اجازه نمیدهد که بیائی. کم تن را برادنیا فریه کن، چه بسیار کسانی مانند تو خود را بجهت دنیا فریه نمودند، و از آن بهره ای نگرفتند، اگر در آن خیری بود تو بر مایشی نمی گرفتی. «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ»- (تمام امویسوی خدایاز میگردد. سوره شوری آیه ۵۲). هر چه را که داریم و در هر چه که هستیم، از آن خداست.

وقتی حضر شیخ از منبر پائین آمد، یکی از شاگردان بدو گفت: «در پند و موعظه مبالغه کردی و گفتار ت خشن و تند بود» جواب داد: در برابر گفتارم کردارم قرار دارد، یعنی قول من فاقد عمل نیست، آن شخص چنان تحت تأثیر قرار گرفت که بعدها پیش از همه در مجلس و عظم حاضر میشد، و در کمال تواضع و فروتنی می نشست.

بار خدایا، صبر و عفو را بهره ماگردان، بار خدایا، ما را یاری نما تا در برابر کسی جز تو دست توقع برنداریم، آمین.
«مَنْ تَضَعُ لِيَّ لِأَجْلِ مَا فِي يَدَيْهِ دَهَبٌ ثَلَاثًا دِينَته»- (هر کس بخاطر ثروت توانگری کرنش نماید، دوسوم دینش را از دست داده است). عادت درخواست از غیر را باید ترک کرد و تنها خداوند متوسل شد.

مردی را دیدم که از مردم تقاضای کمک میکرد، و در همان حال جبه ای را به مبلغ بیست و پنج دینار فروخت، و بدنبالش روان شدم، و دیدم که به فردی رسید که حلیم میخورد، بالاحاح و اصرار از او لقمه ای گرفت، در شگفت ماندم، و وقتی از وی پرسیدم که توجه ای را به فلان مبلغ فروختی، جواب داد: بخاطر توازن خود دست بردارم؟! (پس آنانکه دارای خست طبع اند، چشم طمعشان هیچگاه پر نمی شود).

کسانیکه به پایان ولایت میرسند، به مقام قطبیت نایل میگردند، و در اینحال است که متحمل بار خلق میشوند، و خدای متعال نیز ایمانی قوی در خور این بارسنگین و این رنج گران بدیشان عطا میفرماید. رسیدن به مقامات باآراستن ظاهر ممکن نمیگردد، باید بجائی برسی که پروردگاری جز خدای یکتا نشناسی، دارای جهت واحد و محبوب واحدی شوی. هرگاه حب حق در قلبت خیمه زد، آنوقت مجذوب میگردد، و باطنت به قرب می پیوندد. زمانی به لقاء الله میرسی که از دیدار و اتکای به خلق دور شده باشی، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) فرموده است: «مَنْ انْقَطَعَ أَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَفَاهُ مَوْتَهُ، وَمَنْ انْقَطَعَ إِلَى الدُّنْيَا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهَا»- (هر که بخدا روی آرد، خداوند رزق و روزی او را کفایت میکند، و هر کسی متکی دنیا بود، خدا او را بدنیا وامیگذارد).

ترک عادت کنید، و بدانید تا از خلق نگسلید و بخدای روی نیاورید، به آنچه که نزد خداست نخواهید رسید، خدای متعال در حدیث قدسی فرموده است: «مَنْ عَمَلَ عَمَلًا يُرِيدُ بِهِ غَيْرِي، فَإِنَّا أَعْنَى الشَّرِيكِينَ هُوَ لِشَرِيكِي دُونِي» (هر کس عملی انجام دهد و بخاطر غیر ما باشد، بداند که من از شریک بی نیازم، و بدان عمل هم احتیاجی ندارم و آن عمل برای غیر من است). «آگاه باش، که اخلاص زمین مومن است، و اعمال دیوارهای آن، امکان فروریختن دیوارها هست، اما زمین همچنان ثابت میماند. بدان که پایه و اساس هر عملی تقوی است. اگر گفتی که من بخدا متوسل شدم، اما از زندگی مرا تأمین نکرد، جواب اینست: ایراد در خود تست نه در رسول و گفتار او، زیرا رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى» (از روی هوای نفس و از جانب خود چیزی نمی گوید. سوره نجم آیه ۳).

آیا نزد شما از خدا خبری هست؟ نه بخدا، شما عاشق دنیا و زیبایی آنید، اگر صدق و راستی دارید، در طلب حریص مباشید، نفس را در میدان قا و قدرها، نمائید، چه کمترین دیدار حق از تمام زینت های دنیا و آخرت بهتر است. آنگاه که رابطه میان شما و نفس قطع گردید، دادخواهش را خواهید شنید، که دست بدامنانتان گردیده است.

ای کسیکه بنی خواهش نفس و شیطان و تمنای قلب تفاوتی قائل نمیشوی، چگونه متوانی و هوای نفس را با ارتکاب زلات معاصی مقهور نمائی؟! اطمینان قلب با اعمال صالحه و صدق و اخلاص بدست می آید.

به آنکه بدار آویخته شد (حلاج-رحمة الله علیه و قدس سره و ارفع درجاته و قبل مجاهداته و شهادته و رزقه و رزقنا لقائک و لقاء نبیک آمین) گفته شد مراوصیتی نما، گفت «مواظب نفست باش، اگر نتوانستی بر او سوار شوی، او بر تو سوار خواهد شد». اگر میخواهی هم کاسه بزرگان باشی، باید راه خرابات و بیابانها را در پیش گیری، از این مستی به حال

هشیاری آئی، منتهی باید از افشای اسرار ایشان خودداری کنی تا در هلاکت نیفتی. اگر میخواهی به حق رسی، ابتدا باید براسب دنیا سوار شوی یعنی دنیا ر آرام و مغلوب خودنمایی، و پس از اجرای تمام احکام شریعت، بخلوت بپرداز، بعد از گذر از باب حکم به باب علم خواهی رسید، باب حکم همان اجرای اوامر و نواهی است، و چون در این باب آفات و بلاها فراوان است، باید به باب علم نیز آشنا بود، تا از لغزش در آن جلوگیری نماید. علم و حکم هر دو از ویژگیهای صدیقین و محبوبین است.

بدان که نزدیکی تو بخلق از خدایت بدور میکند، پس بهتر است که به آخرت روی آوری و بعبادات و طاعات مشغول شوی، تارستگار گردی، و بهره های دنیوی نیز نصبت شود، در حالیکه از آنها هم اکراه داری، ولی مأموری که با استفاده از قانون رخصت شرعی از آن استفاده کنی تا اینکه اندک اندک رخصت از طبعت زایل شود و تمام افعال به عزیمت بدل گردد، و همینکه بر عزیمت صبر کردی، حب حق در قلبت جاگزین میشود، و بدنبال ثبوت حب، مقام ولایت دست خواهد داد.

اگر زمره عاقلانی، خود را از اهل آتش بدان، تا این روش بر اعمال صالحه ات راهبری نماید، و اگر از اهل جنت بوده ای، سپاس آنرا بجا آورده باشی.

هروقت از خانه خارج میشوی، چنان پندار که جنگ میروی و دیگر بخانه ات بر نمیگردی. بدان که ترا بوسیله کسبیت آزمایش میکنند، و ایمان داشته باش که خداوند قادر است روزیت را سهل و آسان بدستت برساند. مومن گاهی بمانند کوه و گاهی مانند پراست، در مقابل آفات و بلاها مانند کوه است ثابت و پایدار، و در برابر خداوند بسان پرسبک وزنی است که نسیم قدرت اورامی رباید.

(یا قوم) زمان نبوت و رسالت سپری شده است، اما زمان ولایت باقی است. همنشینی با بزرگان نیازمند ارخو گذشتگی است، باید بسان کوری باشی که نمی بیند، تشنه ای باشی که بر لب آب نشسته و نمی نوشد، و بمانند مرده ای بی حرکت. وای بر آنان که حجاب قهر بر قولیشان کشیده شده است! تونه خود عمل نیکی انجام میدهی و نه دیگری را در انجام کار خیر کمک میکنی، توسراپا شری، ریرامهر دنیا را در دل داری و آخرت را رها کرده ای، ظاهر بدون باطنی، این ولایت توسودی ندارد، توانگریت بی فایده است، بدان که بزودی خواهی مرد، و به ذلت بعد از مرگ گرفتار میشوی، **«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»** - (هرکس خواهان عزت و بزرگواری است، پس (بداند) بزرگواری تماما نزد خداست. **سوره نساء آیه ۱۳۹**). «بگذرای مومن، نور تولهیب آتش مرا خاموش کرد». و همنشین درد دنیا هرگاه ایمان بنده قوی شد و به قرب حق پیوست، آتش آفات در راه قلب قرار میگیرد، اما در برابر شعله مجاهدت قرار گرفته و مغلوب میشود، و او نیز ندادر میدهد که: «ای مومن از من بگذر که نور تونارمرا خاموش کرد». پس تیرهای آفات و بلاها اورا گزندی نمیرسانند، زیرا در قلعه محکم جای گرفته است، که آتش دنیا و آخرت را بر آن کارگرنیست. بندگان هستند که مرگ و زندگیشان در کمال عافیت است، و دخول به جنت را نیز در حال عافیت انجام میدهند.

هرکس خدای را شناخت، از لذات و شهوات میگذرد، بالاجرای احکام شریعت نصیب مغروض خویش را استیفاء مینماید. مثلی است که میگویند: «اول همسایه، سپس خانه»، آنرا که همسایه نیک حاصل شدو در پیشگاه ملک مقتدر متمکن میشود، همانگونه که فرموده است: **«أَنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ»** - (امروز تودرنزد مادارای مکانت بوده و امین هستی. **سوره یوسف آیه ۵۴**).

«ربنا آتانا فی الدنيا حسنة و فی لآخرة حسنة و قنا عذاب النار» آمین.